

خر مهره

این ریس تقلب کار دگر کاری نیست
کار دولت ، چشم بندی مداری نیست
دولت مردمی ساختن ، دَبله ماری نیست
نشود راست کج اندیش ، جای زاری نیست
این غلامک به بی ننگی کمر بسته است
ملخی است که یکبار دگر ، جسته است
دو فساد پیشه شده باز دو بال کرگس
یکی چپاولگر معروف که نمی گوید ، بس
راست گفتند : « ز کسی کس ، ز خار باشد خس »
دیگری جانی مشهور که (او داند و بس)
کنند با پنبه هلاک مردم و کشند کفنش
کرگسک خوب بپیچد خود را با چپنش !?
در حضور همه سوگند به خیانت کردند
تجدید قرار داد ، با ردالت کردند
ظلم و بیداد به مردم را حمایت کردند
برای خود مهیا ، تجارت کردند
کی بود حاضر در آن مجلس تحلیف ، بگو
تفنگ سالار و چپاولگر و کذاب و دورو
وضع کشور همان گونه دگرگون باشد
وقت خوشبختی قاچاقبر افیون باشد
غرق در شر و فساد است سراپای زمام
حاکم و قاضی ، وکیل و وزیر و ، امام
قاتل و جانی و زانی به شورا است هنوز
حق و انصاف و مساوات تپیاست هنوز
پیر کذاب دروغگوی به سناست هنوز
به جبین (آزادی) نقش چلیپاست هنوز
آنکه در فکر محو طالب شده ، خود طالب است
کشته و فاقه و مظلوم ملت ، کی غالب است ؟
وطنم لانه شیاد و شغال ، گشته کنون
ملت از گشنگی و فقر بی حال گشته کنون
روزگار عجیب است ، وای چه حال گشته کنون!!
چون که دوران دغلباز و دجال گشته کنون
کشته و بسته ای بیداد شده هموطنم
نعش بی گور بنالد ، که من بی کفنم
جهل و بی دانشی گلوی هنرمیزند ، واه !!
شاه شجاع قصه از (شق قمر) میزند واه
استعمار باز به هستی ، شرر میزند واه !!
حفظ آزادی و تمامیت ارضی به کجاست ؟
حق بیان حقیقت ، دموکراسی به کجاست ؟؟
دین و دولت تشنه خون بود زالو وار
کاسب روز بود زورگوی ، راشی و طرار
هرکی را مومن و راستگوست ، برند برسر دار
بیشتر از پیش شده این ، جفاها تکرار
تا تو آگاه شوی ، خرمهره نگین خواهد بود
روز و روزگار چنین است و چنین خواهد بود
« انقلاب مردمی » چاره و درمان گردد
ریشه کن کردن بیداد ، هم آسان گردد
گر شعار ، خدمت راستین به انسان گردد
خوشبخت در همه دنیا ، قوم افغان گردد
باز آباد شود کشور و مردم دلشاد
شعر (ناتور) زند بال ، چو مرغ آزاد

